



نقش دوستان در سعادت و شقاوت انسان

سید ابوالفضل سیدی

مقدمه

تمامی انسانهای روی زمین را فدا کند
تا مایه نجاتش گردند.^۱
و نیز روز حسرت و پشیمانی
است.^۲

عوامل این حسرت و پشیمانی
بسیار است و بررسی همه آنها مجال
وسیع می‌طلبد. در اینجا تنها به ذکر دو
عامل می‌پردازیم که بسیار مهم است و
در شدت اهمیت آن همین بس که

روز قیامت صحنه‌های تکان
دهنده و در عین حال آموزنده‌ای دارد
که می‌توان از آنها برای تنظیم زندگی
معنوی و تکامل روحی در سایه آیات
الهی استفاده کرد؛ روزی که به تعبیر
قرآن کریم: ﴿بِصَرِّوَنَّهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ
يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ * وَصَاحِبِيهِ وَ
أَخِيهِ * وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ﴾^۱

«آنها را نشانشان می‌دهند، [روزی
است که] انسانِ خطا کار دوست دارد
فرزندانش، همسرش، برادرش و
قبیله‌اش را که از او حمایت می‌کرد و

۱. معارج/ ۱۱-۱۴.

۲. ر. ک: مریم / ۳۹ ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْخَسْرَةِ إِذْ يَفِي
الْأَمْرِ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ «آنان را از روز
حسرت بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان
می‌یابد؛ و آنها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند.»

دارند، نقاط مشترک یکدیگر را می‌یابند و با هم دوست و همنشین می‌گردند. از رهگذر این دوستیها، نتایج متعددی به بار می‌نشیند و عواقب بد یا خوب و فواید گوناگونی نصیب انسان می‌گردد.

در این میان، آیات قرآن کریم و بیانات حضرات معصومین علیهم‌السلام نقش بسیار مهمی در جهت دادن به این دوستیها و پرهیز از عواقب ناگوار دنیوی و اخروی آنها بر عهده دارند. عواقب و خیمی که از دوستان بد در دنیا گریبانگیر انسان می‌شود و همچنین فوایدی که از دوستان خوب نصیب انسان می‌گردد، در زندگی روزمره، کم و بیش مشهود است؛ اما آثار اخروی این عواقب و فواید را فقط می‌توان در لای آیات قرآن کریم و بیانات حضرات معصومین علیهم‌السلام جستجو کرد. در اینجا به ذکر چهار نمونه از آیات می‌پردازیم که نشانگر چهار نکته مهم در آخرت است:

حسرت به خاطر برگزیدن دوست

بد

﴿وَيَوْمَ يَعْقَبُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا

آیاتی چند از سوره‌های قرآن کریم به آن اختصاص یافته: یکی از این دو عامل دوست شدن با دوستان ناباب و گمراه کننده است که انسان را از راه حق منحرف می‌سازند و دیگری نداشتن دوستان خوب است که در سایه آنها، انسان خطا کار می‌تواند از آتش قهر و عذاب الهی نجات یابد.

ضرورت دوست‌یابی

انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند به تنهایی و به دور از اجتماعات انسانی زندگی کند. افراد بسیار کمی هستند که از این قاعده مستثنی بوده، به دور از محیطهای اجتماعی زندگی می‌کنند؛ البته آنان نیز از تأثیر این محیطها بی‌بهره نیستند. افراد انسانی ناگزیر از تعامل و داد و ستد روحی و فرهنگی با یکدیگرند که در ضمن آن زمینه‌های آشنایی، دوستی و همنشینی آنان فراهم می‌آید و نیازهای فطری و عاطفی آنان تأمین می‌شود. بنابراین، در زندگی بشری، چاره‌ای از دوستی و همنشینی افراد انسانی با یکدیگر نیست. تک تک انسانها با طبایع و عواطف گوناگونی که

لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً * يَا وَيْلَتَى
لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلاً لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ
الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ
خَدُولاً؛^۱

«و [به یاد بیاور] روزی را که
[انسان] ظالم، دو دست خویش را [از
شدت پشیمانی] با دندان گزیده،
می گوید: ای کاش با رسول خدا ﷺ
راهی برگزیده بودم! ای وای بر من!
کاش فلانی را به عنوان دوست خود
انتخاب نکرده بودم! او مرا از یاد حق
گمراه ساخت، بعد از آنکه [آگاهی] به
سراغ من آمده بود و شیطان همیشه
باعث سر افکندگی انسان است.»

شان نزول

الف. این آیات درباره عقبه بن ابی
معیط و ابی بن خلف که از دوستان
قدیمی همدیگر بودند، نازل شده
است. یکی از عادات عقبه این بود که
هرگاه از مسافرت باز می گشت، غذایی
فراهم می ساخت و بزرگان قومش را
دعوت می کرد و با پیامبر اکرم ﷺ نیز
زیاد مجالست می نمود. روزی از
مسافرت باز گشت، غذایی فراهم نمود
و میهمانی بزرگی ترتیب داد. پیامبر

اکرم ﷺ نیز به میهمانی دعوت شد.
هنگامی که موقع خوردن غذا فرا
رسید، پیامبر اکرم ﷺ از این فرصت
برای هدایت عقبه استفاده کرد. او که از
عادات اعراب در زشتی نخوردن غذا
توسط میهمان با خبر بود، به عقبه
فرمود: تا شهادت به وحدانیت خداوند
متعال و رسالت من ندهی، از غذای تو
نمی خورم. عقبه گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.» خبر
شهادتین عقبه به گوش ابی بن خلف که
در آن مجلس حضور نداشت، رسید.

نزد او آمد و گفت: آیا تو نیز شیفته
محمد ﷺ شده ای؟ عقبه گفت: نه، به
خدا سوگند! مردی بر سر سفره من
حاضر شده بود و حاضر نبود از غذای
من بخورد، مگر آنکه شهادتین را بر
زبان جاری کنم. من شرم کردم که او
غذا نخورده از منزل من برود. به همین
سبب، شهادتین را گفتم. او نیز غذا
خورد.

ابی بن خلف گفت: من هرگز از تو
راضی نمی شوم، مگر اینکه نزد او بر --

آوردن رضایت دوستان، رضایت الهی را زیر پا نهاده‌اند، پشیمان می‌شوند و دست خویش را از شدت پشیمانی با دندان می‌گزند و می‌گویند: «ای کاش با فلان کس دوست نشده بودم!»

عاقبت دوستان مؤمن و دوستان

بد

قرآن کریم، احوال دوستان بد و خوب را در روز قیامت چنین توصیف می‌کند:

«الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»^۲ «دوستان در این روز دشمن هم‌دیگرند، مگر پرهیزگاران.»

این آیه نشان می‌دهد که دوستان بد، هر قدر هم که در دنیا دوستی‌شان عمیق باشد، در روز قیامت دشمنان یکدیگر می‌شوند و دوستان خوب هر قدر هم که در دوستی‌شان ضعیف باشند، در روز قیامت هم دوستان هم‌دیگر می‌باشند.

اما علت دشمنیها در این است که

وی و [تعوذ بالله] بر صورت او آب دهان بیفکنی. عقبه نیز چنین کرد و مرتد گردید. او علاوه بر این کار زشت خود، زهدان چهار پایی را گرفت و بر کتف آن حضرت افکند.

ضحاک می‌گوید: «هنگامی که

عقبه به صورت پیامبر اکرم ﷺ آب دهان انداخت، آب دهان او [به اعجاز الهی] بر چهره خودش برگشت و گونه‌هایش را سوزانید؛ به گونه‌ای که جای سوختگی گونه‌هایش تا هنگام مرگ بر صورت او بود.»

ب. برخی گفته‌اند: این آیات در حق هر کافر یا ظالمی که در کفر و ظلم از دیگری پیروی کرده و متابعت امر الهی را ترک نموده، نازل شده است.^۱ ناگفته پیداست که شأن نزول، هیچ گونه خصوصیتی ندارد و نمی‌توان آیات مذکور را تنها بر خصوص شأن نزول حمل کرد. معنای آیه عام بوده، شامل تمامی انسانهایی است که به وسیله دوستان بد از راه حق منحرف شده‌اند. همه آنان در روز قیامت حسرت می‌خورند و از اینکه از راه حق تبعیت نکرده و به خاطر به دست

۱. مجمع البیان، ابو علی طبرسی، بیروت، دارالمعرفة، دوم، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۷، صص ۲۶۰-۲۶۱.

۲. زخرف/۶۷.

لَسْتُ دِينَ * وَلَا نِعْمَةً رَّبِّي لَكُنْتُ مِنَ
الْمُخَضَّرِينَ؛^۱

«بعضی [از بهشتیان] رو به بعضی
دیگر کرده، می‌پرسند. یکی از آنها
می‌گوید: من همنشین داشتم که
همیشه می‌گفت: آیا به راستی تو از
تصدیق‌کنندگان هستی [و این سخن را
باور کرده‌ای] که وقتی ما مریدیم و به
خاک و استخوان تبدیل شدیم، [زنده
شده و] جزا داده می‌شویم! سپس
می‌پرسد: آیا [از او] اطلاعی دارید؟
ناگهان از احوال او آگاه می‌شود و او را
در وسط جهنم می‌بیند. می‌گوید: به
خدا سوگند! نزدیک بود مرا به هلاکت
بکشانی و اگر نعمت پروردگارم نبود،
من نیز از احضار شدگان [در دوزخ]
بودم.»

حسرت کفار از نداشتن دوست

خوب

خداوند متعال سخن بعضی از
جهنمیان را چنین نقل می‌فرماید:
﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ
حَمِيمٍ﴾؛^۲ «ما هیچ شفاعت‌کننده و

دوستان بد پس از دیدن صحنه‌های
وحشتناک روز قیامت و رؤیت جهنم و
بهشت، از اعمال بد خویش به سختی
پشیمان می‌شوند و چون راه بازگشتی
هم در کار نیست، بر طبق عادت
همیشگی تمام خطاکاران، تقصیر
گمراهی خویشان را بر گردن دوستان
خود می‌اندازند و آنان را مقصر قلمداد
می‌کنند و بدین‌گونه، دوستیها به
دشمنی تبدیل می‌شود.

سرزنش دوستان بد، توسط

دوستان مؤمن

قرآن کریم حکایتی عبرت‌آموز از
اهل بهشت نقل می‌کند، بدین ترتیب:
در حالی که بهشتیان غرق در نعمتهای
بهشتی هستند، یکی از آنان به یاد یکی
از دوستان بد خویش می‌افتد و احوال
او را از دوستان بهشتی خود می‌پرسد و
ناگهان او را در قعر جهنم می‌بیند و
شروع به سرزنش او می‌کند:

﴿فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ
قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ * يَقُولُ أَإِنَّكَ
لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ * إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا
أَأِنَّا لَمَدْبُوتُونَ * قَالَ مَلَأْتُمْ مُطَبِّعُونَ فَأَطَعْتُمْ فَرَأَتْهُ
فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ * قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كَذَبْتُ

۱. صافات / ۵۰-۵۷.

۲. شعراء / ۱۰۰-۱۰۱.

دوست مهربانی نداریم.»

این آیات را با بیان روایتی که جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده، توضیح می دهیم:

آن حضرت فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ يَقُولُ فِي الْجَنَّةِ مَا فَعَلَ صَدِيقِي فَلَانَ وَصَدِيقَهُ فِي الْجَنَّةِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَخْرَجُوهُ لَمْ يَكُنْ صَدِيقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ يَقُولُ مَنْ بَقِيَ فِي النَّارِ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ»^۱ مردی [از بهشتیان] در بهشت می گوید: فلان دوستم چه می کند؟ در حالی که دوستش در جهنم است. خداوند متعال [به فرشتگان] می فرماید: دوست او را به نزدش در بهشت ببرید. بقیه جهنمیان می گویند: ما هیچ شفاعت کننده و دوست مهربانی نداریم.»

و امام صادق علیه السلام در اهمیت دوست خوب به این آیات استناد جسته، می فرماید:

«جایگاه دوست خوب، بسیار بالاست؛ به گونه ای که جهنمیان به او پناه برده، او را قبل از خویشاوند مهربان [خویش] می خوانند. خداوند متعال به نقل از آنان چنین می فرماید: ما هیچ شفاعت کننده و دوست مهربانی

نداریم.»^۲

یکی از ثمرات اخروی دوست خوب، همین است که در آیات و روایات ذکر شده، به آن اشاره شد؛ بدین معنا که انسان خطا کار جهنمی به احترام دوست خوبی که در دنیا داشته است، ممکن است مورد آمرزش قرار گیرد و خلاصی یابد و به دوست بهشتی اش پیوندد.

اهمیت انتخاب دوست خوب

پس از بیان عواقب و خیم انتخاب دوست بد و فواید انتخاب دوست خوب، با توجه به اهمیتی که این مسئله در روایات حضرات معصومین علیهم السلام دارد، این بحث را در روایات پی می گیریم.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نقل از امام صادق علیه السلام چنین می خوانیم: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يُخَالِلُ»^۳ «انسان بر دین دوست خویش است. پس هر کدام از شما باید بنگرد

۱. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۰۵.

۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۷، ص ۱۸۰.

۳. همان، ص ۱۹۲.

و در روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام، دوست دشمن به عنوان دشمن قلمداد شده است:

«صَدِيقُ عَدُوِّ عَلِيِّ عليه السلام عَدُوٌّ عَلِيٍّ عليه السلام؛^۳
دوستِ دشمن حضرت علی علیه السلام،
دشمن آن حضرت است.»

و بر طبق روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تنها ماندن بهتر از گزینش دوست بد است:

«أَلَوْ خَدَّةٌ خَيْرٌ مِنْ قَرِينِ السُّوءِ؛^۴ تنهایی
بهتر از دوست بد است.»

معیار گزینش دوست

با توجه به اهمیت ویژه‌ای که احترام از دوست بد بر اساس دیدگاه حضرات معصومین علیهم السلام دارد، این مفهوم در روایات متعددی بیان شده که به نقل و بررسی بعضی از آنها می‌پردازیم:

• حضرت امام صادق علیه السلام در باره مفهوم دوست خوب و بد چنین می‌فرماید:

که با چه کسی دوستی می‌کند.»
این روایت و روایاتی از این دست، نشانگر تأثیر دوست در شکل‌گیری ایمان دینی و اعتقاد مذهبی افراد انسانی است. در بعضی از روایات، دوست به عنوان ملاک بدی و خوبی، دینداری و بی دینی معرفی شده است. به عنوان نمونه، دو روایت را نقل می‌کنیم:

۱. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «...
فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ امْرُؤًا وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ
فَانظُرُوا اِلَيْ خُلَطَايِهِ فَاِنْ كَانُوا اَهْلَ دِيْنِ اللّٰهِ فَهُوَ
عَلَى دِيْنِ اللّٰهِ وَاِنْ كَانُوا عَلٰى غَيْرِ دِيْنِ اللّٰهِ فَلَا
حِطَّةَ لِمَنْ دِيْنِ اللّٰهِ؛^۱ ... پس هر گاه امر
کسی بر شما مشتبه شد و دین او را
نشناختید، به همنشینان او نگاه کنید.
اگر آنان اهل دین خدا بودند، او نیز بر
دین خداست و اگر بر غیر دین الهی
بودند، او نیز بهره‌ای از دین خدا نبرده
است.»

۲. حضرت سلیمان علیه السلام فرمود:
«در باره کسی قضاوت نکنید تا به
دوستان او بنگرید؛ زیرا انسان به وسیله
دوستان و یارانش شناخته شده، به هم
صحبت‌ها و رفقاییش منسوب می‌شود.»^۲

۱. همان، ص ۱۹۷.

۲. همان، ص ۱۸۸.

۳. همان، ص ۱۹۷.

۴. همان، ص ۱۹۹.

۱. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «لَا تَقَارِنُ وَلَا تُوَاخِ أَرْبَعَةَ الْأَحْمَقِ وَالْبَخِيلِ وَالْجَبَانَ وَالْكَذَّابِ أَمَّا الْأَحْمَقُ فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَأَمَّا الْبَخِيلُ فَإِنَّهُ يَأْخُذُ مِنْكَ وَلَا يُعْطِيكَ وَأَمَّا الْجَبَانُ فَإِنَّهُ يَهْرُبُ عَنْكَ وَعَنْ وَالِدَيْهِ وَأَمَّا الْكَذَّابُ فَإِنَّهُ يَصَدِّقُ وَلَا يُصَدِّقُ؛^۱ با چهار شخص همنشین نشو و برادری نورز: احمق، بخیل، ترسو، دروغگو. اما احمق؛ چون او می خواهد به تو نفع برساند، ولی ضرر می زند. اما بخیل؛ چون از تو می ستاند، اما به تو نمی بخشد. اما ترسو؛ چون از تو و پدر و مادر خویش می گریزد. اما دروغگو؛ چون راست می گوید، ولی تصدیق نمی شود.»

۲. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «...إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُوَاحِشِينَ كَافِرًا وَلَا يَخَالِطُنَّ فَاجِرًا وَمَنْ أَخَى كَافِرًا أَوْ خَالَطَ فَاجِرًا كَانَ كَافِرًا فَاجِرًا؛^۳ ... پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره می فرمود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، با هیچ کافری برادری نکند

«أَنْظُرْ إِلَى كُلِّ مَنْ لَا يُفِيدُكَ مَنَفَعَةً فِي دِينِكَ فَلَا تَعْتَدَنَّ بِهِ وَلَا تَزْعَبَنَّ فِي صُحْبَتِهِ فَإِنَّ كُلَّ مَا سَوَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُضْمَجِلٌ وَخِيَمٌ عَائِيئَةٌ؛^۱ هر کس که منفعت دینی به تو نرساند، بشناس! به او توجهی مکن و رغبتی به همراهی با او نداشته باش؛ زیرا آنچه غیر از خداوند تبارک و تعالی است، نابود شدنی و عاقبت آن ناگوار است.»

بر اساس این روایت، ملاک دوستی و گزینش دوست، رسیدن به منافع دینی و اخروی است. هر کس این منفعت را نصیب انسان کند، «دوست خوب» است و می توان او را به دوستی برگزید و هر کس چنین منفعتی را به انسان نرساند، «دوست بد» است و از همنشینی با او باید پرهیز کرد.

در بعضی از روایات، پاره ای از ویژگیهای دوستان بد به همراه علت احتراز از آنان ذکر شده است. مهم ترین این مصادیق عبارت است از: انسانهای شرور، احمق، بخیل، ترسو، دروغگو، کافر، فاجر، فاسق و قاطع رحم. روایاتی از این دست را ذکر می کنیم:

۱. همان، ص ۱۹۱.

۲. همان، ص ۱۹۲.

۳. همان، ص ۱۹۷.

ذکر می‌کنیم:

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ أَوْ أَخَاهُ فَلْيَغْلِمَهُ»^۳ هنگامی که یکی از شما، همنشین یا برادرش را دوست داشت، او را آگاه سازد!»

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تَطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ اطَّلَعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوُّكَ يَوْمَ مَا»^۴ دوستت را بر سرّت تنها به مقداری آگاه ساز که اگر دشمنت بر آن آگاهی یابد، تو را ضرری نرساند؛ زیرا دوست گاهی به دشمن تبدیل می‌گردد.»



۱. همان، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۷۳.

۳. همان، ص ۱۸۳.

۴. همان، ص ۱۷۷.

و با هیچ بدکاری رفت و آمد نداشته باشد، و هر کس با کافری برادری نماید و یا با بدکاری رفت و آمد داشته باشد، کافر بدکار خواهد بود.»

۳. از ابن عباس نقل شده است که گفته شد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْجُلَسَاءِ خَيْرٌ قَالَ مَنْ ذَكَرْتُمْ بِاللَّهِ وَرُؤَيْتَهُ وَزَادَكُمْ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ وَذَكَرْتُمْ بِالْآخِرَةِ عَمَلَهُ»^۱ ای پیامبر خدا! کدام یک از همنشیان بهترند؟ فرمود: کسی که دیدن او شما را به یاد خدا بیندازد، سخن گفتن او بر دانش شما بیفزاید و عمل او شما را به یاد آخرت بیندازد.»

۴. امام صادق علیه السلام نیز ملاکی دقیق ارائه می‌دهد؛ آنجا که به یکی از یارانش می‌فرماید:

«مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ مِنْ إِخْوَانِكَ تِلْكَ مَرَاتٍ فَلَمْ يَقُلْ فِيكَ شَرًّا فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ صَدِيقًا»^۲ هر کدام از برادرانت که سه بار بر تو خشم گرفت، ولی در باره تو سخن بدی نگفت، او را به عنوان دوست برگزین!»

رعایت دو نکته در دوستی

در انتهای این بحث، با استمداد از دو روایت، دو ادب از آداب دوستی را